



علامه طباطبایی مانع انحراف تفاسیر قرآن شد / اشتراکات تفسیر المیزان و المنار

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گفت: بعد از انقلاب اسلامی که تفسیر در حوزه علمیه جایگاه والایی پیدا کرد...

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گفت: بعد از انقلاب اسلامی که تفسیر در حوزه علمیه جایگاه والایی پیدا کرد، اگر المیزان نبود راه و روش و رویکرد آنها به مسیر دیگری می رفت بنابراین علامه حق بزرگی به گردن حوزه دارند در اینکه تفاسیر قرآن از مسیر صحیح اهل بیت(ع) خارج نشود.

آیت الله سیدمحمد غروی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، در گفت وگو با خبرنگار ایکننا، به بیان نکاتی درباره علامه طباطبایی پرداخت و گفت: مرحوم علامه طباطبایی، هم فقیه، هم اصولی، هم فیلسوف و هم مفسر بودند و حتی در علوم ریاضی، طبیعیات و علوم قدیم احاطه داشتند. در فقه و اصول از شاگردان برجسته آیت الله محمدحسین اصفهانی و آیت الله نائینی بودند. این جامعیت نقش بی بدیلی در ایشان نسبت به تفسیر قرآن پدید آورد. گاهی شخصی صرفاً فیلسوف یا فقط عارف است یا با روایات سر و کار دارد، این شخص در تفسیر وضعیتی پیدا کرده اما کسی که جامعیت دارد وضعیت دیگری پیدا می کند و در هر علم و فنی که دارد سؤالاتی در تفسیر قرآن برای وی پدید می آید؛ بنابراین سعی می کند در تفسیر قرآن از همه علوم بهره برده و جامع نگر باشد.

توجه به مبانی عقلی در تفسیر

وی ادامه داد: از سوی دیگر این شخص چون فیلسوف است باید مبانی عقلی را در تفسیر مورد توجه قرار دهد و این متفاوت است با کسی که احاطه ای به مسائل عقلی ندارد. توجه خاص علامه طباطبایی به مبانی اصولی را باید برجسته کنم؛ ایشان در مقدمه تفسیر المیزان هم بیان کرده اند که بسیاری از صاحبان اندیشه، تفسیر را در همان قالب، همانند عرفان، روایات یا فلسفه پیش برده اند اما اگر کسی بر مباحث اصولی تخصص داشته باشد در چهارچوب حساب شده تری با مسائل برخورد می کند. مفسرانی داشته ایم که بر اساس مبانی فلسفی و عرفانی، قرآن را تفسیر کرده اند اما در برخی مسائل از چهارچوب اصولی خارج شده و تفسیر به رأی کرده اند. علامه طباطبایی چون مبانی اصولی قوی داشته اند همه این مبانی را در جای خود در تفسیر المیزان به کار برده و از کج روی هایی که دیگران به آن مبتلا شده اند دوری کرده است. آنجا هم که برخی آیات مربوط به مبانی حقوقی یا فقهی است چندان خود را درگیر نکرده و به صاحبان فن ارجاع داده است.

توجه به روایت در تفسیر

استاد درس خارج حوزه قم تصریح کرد: نکته مهم دیگر این است که ایشان تفسیر قرآن به قرآن را برجسته کرده اند هرچند در برخی موارد قلم وی تند رفته و برخی افراد تصور کرده اند که ایشان تنها تفسیر ارزشمند را قرآن به قرآن می دانند. نکته دیگری که گاهی مورد کم لطفی یا کج فهمی برخی افراد قرار گرفته این است که علامه طباطبایی توجهی به روایات در تفسیر نداشته اند در حالی که این اشتباه است و برخی از شاگردان وی همانند آیت الله جوادی آملی تأکید داشته اند که علامه طباطبایی به روایات مربوطه در کنار سایر موارد توجه کرده اند و این روایات همانند نوری بوده که به ایشان جهت داده است و شاهد هم این است که در تفسیر گاهی به روایات ارجاع داده اند.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم یادآور شد: یکی از شاگردان ایشان گفته اند که اگر مفهوم آیه ای را با توجه به سیاق آیه به دست آوریم نمی توانیم بگوییم اسلام این را گفته است بلکه باید نسبت آن را با سایر آیات و روایات مورد توجه قرار دهیم تا چیزی را به اسلام نسبت دهیم. قطعاً این شاگرد این نکته را از خود علامه طباطبایی گرفته اند. یکی از شاگردان علامه می گفتند گاهی خدمت ایشان درباره بحارالانوار بحث داشتیم و گاهی فهم روایتی که ایشان می خواند سخت بود لذا احتمالات مختلف را بیان می کردند و اگر با مبانی دیگر سازگار نبود در نهایت می گفتند فهم این روایت را به خودشان واگذار می کنیم بنابراین به راحتی هر روایتی را حتی اگر سند هم نداشت طرد نمی کردند.

وی ادامه داد: نکته مهم دیگر این است که المیزان در عین اینکه با برخی تفاسیر دیگر همانند المنار ارتباط داشت و هر دو در میان مسلمانان از جایگاه والایی قرار دارند اما المنار تحت تاثیر سلفی گری و افکار ابن تیمیه است و نوعی علم زدگی بر آن حاکم است اما از خصوصیات تفسیر المیزان این است که ناظر بر مسائل اجتماعی است. به نظرم مخصوصاً بعد از انقلاب اسلامی که تفسیر در حوزه علمیه جایگاه والایی پیدا کرد، اگر المیزان نبود راه و روش و رویکرد آنها به مسیر دیگری می رفت بنابراین علامه حق بزرگی به گردن حوزه دارند در اینکه تفاسیر قرآن از مسیر صحیح اهل بیت(ع)

خارج نشود. این از نکاتی است که مورد غفلت قرار گرفته است. یک بار یکی از دوستان می خواست رساله سطح چهار حوزه بنویسد و بنا بر این شد که المنار را در آینه المیزان مورد مطالعه قرار دهد و وقتی بررسی کرد حدود ۱۳۳ مورد از المیزان بیرون آورد که ناظر بر تفسیر المنار است بنابراین چون چاپ همه این موارد سخت بود و دستکم به هزار و پانصد صفحه می رسید، بالغ بر بیست مورد از آنها را در قالب کتاب چاپ کرد. حضور در عرصه اجتماع

غروی در ادامه افزود: از خصوصیات مرحوم علامه طباطبایی، مقام معنوی ایشان است. وی عمری تهذیب و تزکیه نفس داشته و دنیا و آخرت را به خوبی درک و موحد زندگی کرده است. ممکن است کسی به خوبی توحید را درس دهد اما در مقام عمل خوب نباشد و در زمینه توحید افعالی لنگ باشد ولی مرحوم علامه طباطبایی خودساخته بود. گرایش وی به فلسفه و علوم عقلی هم از باب وظیفه شرعی بود وگرنه وقتی وارد قم شدند درس خارج اصول را شروع کردند و حاشیه دو جلدی ایشان بر کفایه بسیار غنی است و نوآوری های خاصی هم در این زمینه دارند اما به این نتیجه رسیدند که ماتریالیست ها نقش منفی در جامعه دارند بنابراین به سمت تفسیر و رویکردهای عقلی رفتند.

وی در پایان گفت: علامه طباطبایی فیلسوف، عارف و مفسری بود که خصوصیات معنوی و عرفانی وی ایجاب می کرد در انزوا باشد اما اصولاً چنین وضعیتی نداشت و رابطه وی با بزرگان بسیار جالب بود. به روضه اهل بیت(ع) می رفت لذا منزوی نمی شد که دیگران درباره او منفی سازی کنند. آیت الله العظمی گلپایگانی، یک فقیه اصولی بودند که نسبت به فلسفه نظر مثبتی نداشتند اما نسبت به خود مرحوم علامه دیدگاه دیگری داشتند. نمونه های دیگری از چنین توجهاتی نسبت به علامه طباطبایی وجود دارد و یکی از دلایل این است که ایشان هیچ وقت منزوی نبودند.

گفت وگو از محسن مسجدجامعی